

قوم عاد و سرگذشت آنان

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَبْصَارِ
در سرگذشت آنها درس عبرتی برای
صاحبان اندیشه بود

در شماره‌های گذشته در باره با جریان حضرت نوح و قومش و همچنین دعوت آن حضرت و مایه عبرت قرار گرفتن آن قوم مطالبی تقدیم نمودیم. اینک در ادامه قصه‌های عبرت‌آموز قرآن مجید، قصه دعوت حضرت هود علیه السلام و رفتار قوم آن حضرت (عاد)، مطالبی تقدیم می‌نماییم.

از جمله اقوامی که در طول تاریخ دارای زندگی متمدن و مرفه بوده و پیوسته در ناز و نعمت و فراوانی نعمتهای الهی گذران زندگی می‌کردند و به داشتن امکانات و قدرت مادی و جسمی و آبادی شهرها و باغ و بستانهای خود مغرور شده و خدا را از یاد برده و پیامبران را تکذیب کرده و پیوسته با معاندان سر و سرّی داشتند و عاقبت به بلای الهی گرفتار شده و مایه عبرت دیگران شده‌اند، قوم عاد، یا همان قوم حضرت هود علیه السلام بوده است که خداوند متعال در قرآن مجید پس از جریان

حضرت نوح، به لحاظ اهمیت؛ قصه این قوم را بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وإلى عادِ أخاهم هوداً قال يا قوم اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنَ الْإِلَهِ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ»^(۱).

«ما» به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم، (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست؛ شما فقط تهمت می‌زنید (و بتها را شریک او می‌خوانید)».

قبل از این که به کیفیت دعوت حضرت هود و مخالفت آنان در برابر آن حضرت و همچنین کیفیت گرفتاری آن قوم پردازیم، لازم است اجمالاً به مشخصات آن قوم اشاره کنیم تا معلوم شود که خداوند بزرگ چه نعمتهایی به آنها و همه انسانها در همه زمانها داده و چه پیامبران و رهبرانی برای هدایت آنان مبعوث کرده و اتمام حجت نموده ولی آنان با نخوت و تکبر و رفاه‌زدگی با فرمان خدا مخالفت کرده‌اند.

قوم عاد، کدام قوم است؟ نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در باره عاد؛ مورخان و مفسران و ارباب لغات، عقائد متفاوت و مختلفی بیان کرده‌اند از جمله اینکه آنها انسانهای اولیه بودند زیرا آنها از اولین کسانی بودند که پس از قوم نوح به وسیله بلای الهی هلاک شدند^(۲).

«عاد» از ریشه «ع، و، د» و مشتقات آن به معنی بازگشتن، بازگرداندن، رد کردن، رو آوردن و معطوف شدن است و اسم قوم هود است. و در نزد اهل عرفان و

۱. هود: ۵۰.

۲. طریحی، مجمع‌البحرین: عود - قیومی، مصباح‌المنیر: عود و...

ذوق، کنایه از تکبر و خودبینی است^(۱). چنانکه قرآن می‌فرماید: «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا»: «اما قوم عاد، سخت کبر ورزیدند».

در تورات که سند قدیم تاریخ نژاد سامی است، راجع به قوم «ادوم» و «ادومه» قضایایی آمده است. به نظر می‌رسد که ادوم تورات همان عادِ قرآن باشد. و در کتاب مقدس هم ادومه همان ادوم عبرانی است و حدود جنوبی آن از دریای مرداب تا خلیج عقبه و غربی آن از وادی عربیه تا دشت عربستان است که در مشرق واقع شده با کوهستانهای مرتفع و ناهمواری که پس از قرن‌ها، سیاحان و اثرشناسان کشف کرده‌اند^(۲).

قوم عاد اولی احتمالاً ما قبل تاریخ بوده و قبیله دوم که حدود هفتصد سال قبل از میلاد وجود داشتند، و به نام عاد مشهورند، در سرزمین احقاف یا یمن زندگی می‌کردند و قامت‌هایی بلند و اندامی نیرومند داشتند. و به علاوه از نظر تمدن، ظاهری پیشرفته بودند و شهرهایی آباد و زمینهای خرم و سرسبز و کاخهای عظیم و باغهای پر طراوت داشتند

دیدگاه قرآن و مفسران درباره عاد

مفسران که آشنایی بیشتری با کتاب آسمانی قرآن دارند، با تکیه بر آیات قرآن، دیدگاههایی را بیان کرده‌اند که (می‌توان گفت به واقعیت نزدیکتر است) به عنوان نمونه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. مرحوم علامه طباطبائی می‌نویسد:

«قوم عاد از انسانهای ماقبل تاریخ بودند که آثارشان محو شده و از زندگی

آنها جز داستانهای غیر قابل اعتماد، چیز دیگری ثبت نشده است»^(۳).

۲. همان، با اختصار.

۱. دائرةالمعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۳، عاد.

۳. المیزان، ج ۱۰، ص ۳۰۷.

باز آن مرحوم می نویسد:

«اما قرآن مجید قصه عاد را چنین ترسیم می کند: «عَادِیَ الْأَوَّلِیْنَ». معلوم می شود عاد دومی هم وجود داشته که در احقاف زندگی می کردند^(۱) بعد از قوم نوح^(۲)»^(۳).

آنان بلند قد بودند (...کَأَنَّهُمْ اعْجَازُ نَخْلِ مَسْتَقَرٍّ...): «همچون تنه های نخل ریشه کن شده...» (قمر: ۲۰) سلامت جسمی داشتند (...و زَادَكُم فِی الْخَلْقِ بِصُطَّةٍ...): «...و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد؛...» (اعراف: ۶۹) دارای قصرها و قلعه های زیبا و محکم بودند و خیال می کردند که همیشه زنده و جاوید خواهند بود (و تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ) (و قصرها و قلعه های زیبا و محکم بنا می کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! (شعراء: ۱۲۹). قدرتمند و نیرومند بودند (اِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِیْنَ) (و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جباران کیفر می دهید!) (شعراء: ۱۳۰) همچنین دارای شهرهای آباد و باغهای سرسبز و زراعت بودند و....

«ألم تر کیف فعل ربك بعادِ ارم ذات العماد الّذی لم یخلق مثلها فی البلاد»^(۴).

«آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! و با آن شهر «ارم» با عظمت. همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود.»

قوم عاد اولی احتمالاً ما قبل تاریخ بوده و قبیله دوم که حدود هفتصد سال قبل از میلاد وجود داشتند، و به نام عاد مشهورند، در سرزمین احقاف یا یمن

۱. واذکر اِخَا عَادٍ اِذْ اُنذِرْتُمُوهُ بِالْاِحْقَافِ...» (احقاف: ۲۱).

۲. «...واذکرُوا اِذْ جَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ عَادٍ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُم فِی الْخَلْقِ بِصُطَّةٍ...» (اعراف: ۶۹).

۳. همان. ۴. فجر: آیه ۶ تا ۸.

زندگی می‌کردند و قامت‌هایی بلند و اندامی نیرومند داشتند. و به علاوه از نظر تمدن، ظاهری پیشرفته بودند و شهرهایی آباد و زمینهای خرم و سرسبز و کاخهای عظیم و باغهای پر طراوت داشتند^(۱)

مشخصات جسمانی و جغرافیائی عاد

بعضی از مورخان از جمله ابن خلدون و دیگران سعی کرده‌اند عاد را به معنی اسم شخص و... و ارم ذات‌العماد را به معانی اشخاص قوی هیکل و یا شهر دمشق و اسکندریه و معانی دیگر بکار ببرند^(۲) ولی براساس آیات متعدد در قرآن مجید، قوم عاد و ثمود هر دو عمو زاده بودند و دارای هیکلهای بلند و ساختمان بدنی ستبر و نیرومند و سطوت فراوان و متمدن و پیشرفته بودند و شهرهای آباد و سرزمینهای بارور و باغ و نخلستانها و مزارع عظیم داشتند و سه بت داشتند به نامهای: صدا، صمود و راهباء^(۳).

خصوصاً در آیه ۸ سوره فجر خداوند متعال می‌فرماید: مانند آن شهر ساخته نشده بود، شهری که ستونهای بلند و با عظمت داشته و این اشاره‌ای است به قدرت و عظمت آن قوم.

به قول مرحوم طبرسی مفسر بزرگ: همه اینها حاکی از شدت قوت و قدرت آنان است^(۴).

۱. تفسیر نمونه، ج ۳۰، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۲. به کتاب «تاریخ عرب قبل از اسلام»، نوشته دکتر عبدالعزیز سالم، ترجمه باقر صدیقی نیا، ص ۳۵ به بعد مراجعه شود.

۳. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱۱ ص ۴.

۴. مجمع‌البیان، ذیل آیه ۴۳، سوره هود.

دعوت حضرت هود به دستور خدا

با توجه به اشاره مختصری که درباره عاد و شرح زندگانی آنان انجام دادیم، برگردیم به بحثمان که همان مایه عبرت قرار گرفتن آن قوم است.

پس از آنهمه ناز و نعمتی که خداوند به آنان داده بود، تا آنجا که در اثر رفاه‌زدگی خدا را فراموش کردند و کفران نعمت کردند، سه سال باران نبارید، خشکسالی همه‌جا را فرا گرفت و گروهی را به مکه، به دنبال طلب باران فرستادند، حضرت هود که از طرف خداوند مأموریت داشت آنان را هدایت کند، به آنان گفت: به من بگوئید تا خدا به شما باران دهد، آنان گوش نکردند. خدا ابر سیاهی بر بالای سر آنان فرستاد، هود دانست که آن ابر، ابر عذاب است. سپس باد خشکی وزیدن گرفت (ارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایام نجسات) و بر هر چه می‌وزید چون استخوان؛ مرده‌اش می‌کرد، بادی که هفت شب و روز که روزهای نحسی بود، بر آنان گماشت و این باد چنان ریشه کنشان می‌کرد که گوئی آن قوم مانند تنه‌های نخلی که فرو افتد، در باد می‌غلطیدند.

قصه عاد در سوره‌های مختلف قرآن، در آیات متعدد، آمده است^(۱) و این، حاکی از عظمت و اهمیت جریان قوم حضرت هود و عبرت‌آموزی سرگذشت آنها. در شماره آینده کیفیت دعوت حضرت هود و عناد و لجاجت قوم سرکش آن حضرت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. انشاء...

۱. اعراف: ۶۵ و ۷۴ - توبه: ۷۰ - هود: ۵۰، ۵۹ و ۶۰ - ابراهیم: ۹ - حج: ۴۲ - شعراء: ۱۲۳ تا ۱۳۰ - ص: ۱۲ - غافر: ۳۱ - فصلت: ۱۳، ۱۵ و ۱۶ - احقاف: ۲۱ تا ۲۶ - ق: ۱۳ - قمر: ۱۸ تا ۲۰ - حاقه: ۴ و ۶ - فجر: ۶ تا ۸ - فرقان: ۳۸ - عنکبوت: ۳۸ - نجم: ۵۰.